

میرچا الیاده

# در پی سرچشمه‌های ادیان

ترجمه: سینا غرویان



بنگاه ترجمه و نشر  
کتاب پارسه

سرشناسه: میرچالیا ده  
عنوان و نام پدیدآور: در پی سرچشمه های ادیان، میرچالیا ده، ترجمه مینا غرویان  
مشخصات نشر: تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه ۱۳۹۶  
مشخصات ظاهری: ۲۸۰ ص  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۴-۳۵۰-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیا  
عنوان اصلی: The quest, history and meaning in religion, [1969]  
یادداشت: عنوان اصلی: دین -- تاریخ  
موضوع: شناسه افزوده: غرویان، مینا، ۱۳۴۲ - مترجم  
کتاب: BL ۴۸/الف ۷ پ ۹ ۱۳۹۶  
رده بندی: ۲۰۰/۹  
شماره کتاب: ۵۰۶۳۴۰۶



## ■ در پی سرچشمه های ادیان

|                                         |                              |
|-----------------------------------------|------------------------------|
| میرچالیا ده                             | ترجمه مینا غرویان            |
| آماده سازی و تولید:                     | بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه |
| طراحی گرافیک: پرویز بیانی               | پاپ: صحافی: احمدی            |
| نوبت و شمارگان: چاپ اول ۱۳۹۷، ۱۰۰۰ نسخه |                              |

همه حقوق چاپ و نشر برای بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه محفوظ است.  
هر گونه اقتباس از این اثر، منوط به دریافت اجازه کتبی از ناشر است.

بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، خیابان شهدای ژاندارمری شرقی، پلاک ۷۴.

طبقه دوم، تلفن: ۶۶۴۷۷۴۰۵

www.parsehbook.com / info@parsehbook.com

@ketabeparseh

## فهرست

|                                                        |     |
|--------------------------------------------------------|-----|
| مقدمه                                                  | ۹   |
| ۱. یک انسان گرایی نوین                                 | ۱۷  |
| ۲. بازنگری در تاریخ ادیان ۱۹۱۲ به بعد                  | ۳۳  |
| ۳. جست و جوی «خاستگاه» دین                             | ۶۷  |
| ۴. بحران و نوزایی                                      | ۹۱  |
| ۵. اسطوره کیهان‌زایی و «تاریخ مقدس»                    | ۱۱۵ |
| ۶. بهشت و شهر آرمانی: جغرافیای اسطوره‌ای و فرجام‌شناسی | ۱۳۷ |
| ۷. تشرف و دنیای مدرن                                   | ۱۷۱ |
| ۸. گفتار در باب ثنویت دینی: جفت‌ها و قطب‌ها            | ۱۹۳ |
| واژه نامه                                              | ۱۹۹ |
| نمایه                                                  | ۲۶۷ |

## مقدمه

برای توصیف همه انواع جبریت مقدس و معنوی در حال حاضر بهتر از «دین»<sup>۱</sup> واژه دیگری در اختیار نداریم. این اصطلاح، که بار فرهنگی سنگین و به همان اندازه محدودیت‌های زیادی را هم به دل خود کرده، تاریخی طولانی پشت سرش دارد. شگفت این‌که واژه دین بی‌هیچ تمایزی برای تمامی ادیان شرق نزدیک

۱. religion از ریشه لاتین religionem به معنای حرمت، استن، ایستادن، آیینی است که آنچه که مقدس است و به ایزدان ارجاع داده می‌شود، اجبار، پیمان میان انسان و ایزدان مشتق از religio لاتین است که منشأ آن همچنان مجهول است. یک احتمال این است که ریشه آن به تفسیر سیرون برگردد که او در اثرش از واژه lego به معنای «خواندن» استفاده کرده است. و re به معنای دوباره بر سر آن آمده است و relego به معنای «انتخاب»، «دوباره ادامه دادن»، یا «بررسی دقیق» است. پژوهشگران دوره جدید مانند تام هارپور و جوزف کمیل آن را از واژه ligare به معنای «به هم بستن، اتصال» می‌دانند که با یک پیشوند به صورت re-ligare درآمده و نخستین بار در اثر لاکتانیوس قدیس آگوستین به کار رفته است.

در فارسی نیز واژه دین ریشه ایرانی دارد و در فارسی میانه هم دین (با یای مجهول) بوده است. در سنسکریت و گاتها و دیگر بخش‌های اوستا مکرر واژه «دئناه» آمده است. دین در گاتها به معانی مختلف کیش، خصایص روحی، تشخیص معنوی و وجدان به کار رفته است و به معنی اخیر دین یکی از قوای پنجگانه باطن انسان است. واژه دین از اوستایی ←

باستان<sup>۱</sup> (بین‌النهرینی)، برای یهودیت، مسیحیت و اسلام یا هندوئیسم و بودیسم و کنفوسیانیسم و نیز حتی برای آیین‌های جماعات ابتدایی به کار می‌رود. به هر حال، شاید دیگر خیلی دیر باشد که بخواهیم در پی یک واژه دیگر یا ساختن واژه‌ای برای این منظور باشیم؛ «دین» هنوز هم واژه‌ای کاربردی است، و البته نباید فکر کنیم که این واژه لزوماً باید اعتقاد به خدا، ایزدان، یا ارواح را در خود داشته باشد، بلکه به هر تجربه مقدسی ارجاع داده می‌شود و در نتیجه با مفهوم هستی، معنا و حقیقت پیوند دارد.

موضوعی است که نمی‌توان تصور کرد اگر ذهن انسان کاملاً متقاعد نشده بود که چیزهایی را واقعی غیرقابل تقلیلی در جهان وجود دارند، آن گاه واقعاً چه کار کردی می‌وانست داشت. باشد؛ و غیرممکن است بتوان تصور کرد که چگونه آگاهی بدون ارجاع به تجربه حرکت‌ها و تجربه‌های بشر می‌توانست شکل بگیرد. آگاهی از یک جهان معنی و معنادار، رابطه تنگاتنگی با کشف امر مقدس دارد. از خلال تجربه تنگاتنگی است که ذهن انسان اختلاف میان آنچه که خود را به منزله واقع، قدرتمند، عنی و معنادار آشکار می‌کند و آنچه که چنین کیفیاتی را ندارد، یعنی جریان پرشتاب و بی‌ثبات و خطرناک اشیاء، نمودها و ناپیدایی بی‌معنای‌شان را دریافته است.

پیشتر در کتاب‌های قبلی، در این باره که خود امر مقدس چیست و نقیض‌های آن دارد (دیالکتیک) و در چه اشکالی خود را می‌نمایاند (ریخت‌شناسی)، بحث کرده‌ام و نیازی به تکرار آن نمی‌بینم. تنها کافی است بگویم که «امر مقدس»

---

→ دینا ریشه می‌گیرد. خود دینا به ریشه «دا» به معنی اندیشیدن و شناختن می‌رسد. همچنین واژه دینا به معنی دین و نیز نیروی ایزدی بازشناسی نیک از بد گزارش شده است. در زبان اوستایی و نیز پارسی میانه به ترکیب‌های گوناگونی از این واژه برمی‌خوریم مانند: دین آگاهی، دین بُرداری (نمایش دینی)، دینکرد (کردار دینی)، دین یشت که شانزدهمین یشت از یشت‌های بیست و یک گانه، اوستا و جز اینهاست.

۱. شرق نزدیک برای انسان‌شناسان اروپایی شامل منطقه‌ای است که از غرب آسیا (بعد از ایران) تا مرزهای اروپا گسترش دارد، چنان که شرق دور نیز به کشورهای شرق آسیا گفته می‌شد.

عنصری در ساختار آگاهی است نه مرحله‌ای در تاریخ آگاهی. یک جهان معنادار — و اینکه بشر هرگز نمی‌تواند در «آشوب» زندگی کند — نتیجه یک فرایند پرتضاد است که احتمالاً تجلی مقدس نامیده می‌شود. حیات انسان زمانی معنادار می‌شود که از نمونه‌های عالی آشکار شده با موجودات فوق‌طبیعی تقلید می‌کند. تقلید از نمونه‌های فرانسائی سازنده یکی از اولین شرایط زندگی «دینی» است، یعنی آن ویژگی (شرط) ساختاری که بی‌اعتنا به فرهنگ و همه قاعده‌هاست. از کهن‌ترین مژدن دینی که در دسترس هستند تا مسیحیت و اسلام، تقلید از خدا (*imitatio dei*) در حکم یک هنجار (قاعده) و خطوط راهنمای هستی بشر، هرگز قطع نشده است. روح، میر این محال بوده است. در کهن‌ترین لایه‌های فرهنگ، صرف زیستن در حکم معبود بشری به‌خودی خود یک عمل دینی است، یعنی تغذیه شدن، حیات با سبزه، و کار ارزش مذهبی و مقدس دارد. به عبارت دیگر، انسان «بودن» — یا بهتر بگوییم «ساز شدن» — به معنای «دینی» بودن است.

به این ترتیب، اندیشه فلسفی از انسان ابتدا در مقابل یک جهان معنایی که به لحاظ ساختاری و تکوینی «دینی» است، ظاهر می‌گردد. اگرچه البته تنها «انسان‌های ابتدایی»، شرقی‌ها، و پیش سقراطی‌ها نیستند که چنین پی‌ری را اثبات می‌کنند، این موضوع به‌طور کلی حقیقت دارد. نمودهای ضدوفا در مقدس در حکم یک الگو، مقدم بر همه تغییرات دیالکتیکی است که ذهن آن را کشف و حفظ کرده است. تجربه امر مقدس با افشای هستی، معنا، و حقیقت در یک — همان‌طور که نامناخته، آشوبناک و هراسناک، روش‌های تفکر نظام‌مند را پی‌ریزی کرده است.

همین موضوع کافی است تا فیلسوفان به کار مورخان و پدیدارشناسان دین علاقه‌مند شوند، اما تجربه دینی جنبه‌های دیگری هم دارد که به همین اندازه جالب‌اند. تجلیات مقدس به‌طور کلی — یعنی ظهور تقدس نمود یافته در نمادها، اسطوره‌ها، موجودات فوق‌طبیعی، و غیره — ساختار تلقی شده و نوعی زبان پیشافکری‌اند که مستلزم تأویل خاصی هستند. زمانی نزدیک به سی سال، تاریخ‌نگاران و پدیدارشناسان دین برای ارائه یک چنین علم تأویلی کوشش

کرده‌اند. این تلاش‌ها هیچ شباهتی به کاوش‌های باستان‌شناسی ندارد، گرچه ممکن است اسناد و متون از فرهنگ‌هایی که بسیار پیش از این، از بین رفته‌اند و نیز از مردمانی که دیگر نیستند، بهره ببرند. با یک تأویل درست و بجا، تاریخ ادیان دیگر موزه فسیل‌ها، بقایای تخریب شده و معجزات صرف نیست و همان چیزی می‌شود که از ابتدا برای هر کاوشگری می‌بایست باشد: مجموعه «پیام‌هایی» که در انتظارند تا رمزگشایی و درک شوند.

علاقه به این گونه «پیام‌ها» صرفاً و تماماً تاریخی نیست. آن‌ها با ما تنها درازة کمی فاصله دارند. بهای که بسیار پیشتر مرده سخن نمی‌گویند، بلکه موقعیت‌های وجود بنیادین را بر ملا می‌سازند که مستقیماً با انسان مدرن پیوند دارند. همان‌طور که در یکی از فصل‌های کتاب اشاره کرده‌ام، غنای چشمگیر آگاهی از کوشش آن برای رمزگشایی تأویلی معنای اسطوره‌ها و دیگر ساختارهای دینی روایی (مبتنی بر اسطوره) را چشمه می‌گیرد؛ به معنایی دیگر، حتی می‌توان درباره تحولات درونی پژوهشگر امیدوارانه، از همدلی خواننده سخن گفت. چیزی که پدیدارشناسی و تاریخ ادیان نمیده می‌شود، می‌تواند در میان معدود رشته‌های علوم انسانی که هم مقدمات و هم فنون معنوی، در نظر گرفته شود. این نوع مطالعات در جامعه‌ای که دین‌رایی را هدف آینده‌ای دارد، به احتمال حتی مناسب‌تری هم دارد. از چشم‌انداز یهودی-مسیحی، دین‌زدایی ممکن است دست‌کم در بخش‌هایی سوء تعبیر شده باشد. مثلاً ممکن است، تداوم فرایند اسطوره‌زدایی در نظر گرفته شود که به‌خودی خود آخرین مرحله از طولانی کردن کشمکش پیامبران برای تهی کردن کیهان و حیات کیهانی از مقدس است. اما این تمام حقیقت نیست. در جوامعی که دین‌زدایی شدیدترین وجه را دارد و در میان بت‌شکنانه‌ترین جنبش‌های جوانان معاصر (مانند هیپی‌ها) به‌وضوح شماری پدیده‌های غیردینی وجود دارد که هر کسی می‌تواند در آن‌ها بازخوانی‌های اصیل و جدیدی از امر مقدس را رمزگشایی کند — گرچه یقیناً از منظر یهودی-مسیحی اساساً این گونه نیست. منظور من اصلاً «تعصبات دینی» آشکار در بسیاری از

جوامع و جنبش‌های سیاسی، مثل جنبش حقوق مدنی، تظاهرات ضد جنگ و مانند این‌ها نیست. ساختارهای دینی بسیار معنادار ترند و همچنین ارزش‌های دینی که (اینک) ناآگاهانه در هنر مدرن، برخی فیلم‌های بی‌نهایت عامیانه و مهم، و آن دسته از پدیده‌های مرتبط با فرهنگ جوانان نمود دارد که به‌ویژه با کشف دوباره ابعاد دینی یک «هستی بشری» قابل اعتماد و معنادار «در کیهان» (کشف دوباره طبیعت، رفتارهای جنسی نامتعارف، تأکید بر «زندگی در اکنون» و آزادی از «فراکتی»<sup>۱</sup>) و جاه‌طلبی‌های اجتماعی و غیره) مرتبط است.

بسیاری از این کشفیات دوباره مقدس با اشاره به نوعی دین کیهانی است که بعد از پیروزی مسیحیت ناپدید شدند و تنها در میان روستاییان اروپایی زنده مانده بودند. کشف دوباره قدسیت حیات و طبیعت ضرورتاً دلیل بر بازگشت به شرک یا «پاگانیزم»<sup>۲</sup> یا «ست‌پرستی» نیست. گرچه در نگاه پاک‌دینان (پیوریتن‌ها) دین کیهانی روستاییان،<sup>۳</sup> یای جنوب شرقی می‌توانست نوعی شرک

۱. Paganism، پاگانی، پگانی یا کافرکشی به سجع. ادیان غیر ابراهیمی و یا چند خدایی در دوران باستان و نیز برخی ادیان قبیله‌ای گفته می‌شود. اصطلاح پاگانیزم از سده چهاردهم میلادی برای توصیف کسانی به کار می‌رود که پیرو یک دین غیر جهانی نبودند، به‌ویژه کسانی که در برابر مسیحیت مقاومت می‌کردند. این ادیان هنگام ظهور مسیحیت در اورشلیم و گسترش آن در غرب و سرزمین‌های تابع روم، بسیار شایع و خدایان بودند و رقیبی جدی و سرسخت برای مسیحیت محسوب می‌شدند. از این رو کلدانیان برای مسیحیان، به معنی کافر یا مشرک یا کسی است که از دین دور شده است. همین کفر می‌شود «پاگانیزم» (که از واژه لاتین Paganus مشتق شده) در واژه به معنی دین مسیحیت است. توضیح آن این است که بعد از فراگیر شدن مسیحیت در اروپا، ادیان قدیم مانند پرستش خدایان یونانی، رومی و مصری در شهرهای اصلی برجسته شدند ولی در برخی روستاهای دور افتاده باقی ماندند. مسیحیت برخی از مراسم آیینی و مفاهیم خود را از ادیان پاگان به ارث برده است.

در قرون وسطا این ادیان مخفیانه به حیات محدود خود ادامه دادند و اکنون نیز طرفدارانی دارند که در دوران مدرن آیین‌شان به نوپاگانیزم معروف است. نوپاگانیزم‌ها از رمانتیسیم قرن هجدهم و نوزدهم تأثیر پذیرفته و به خدایان طبیعت معتقدند. به همین سبب با آیین‌های ویکا یا جادوگری نوین و نتو درویدیزم در یک خانواده قرار می‌گیرند.

به حساب آید، همچنان یک «آیین عبادی مسیحیت کیهانی» بود. در یهودیت و سبطانیز فرایندی مشابه این روی داده است. به عنوان مثال، به برکت سنتی که کابالا آن را دوباره شکل بخشید، یک «تقدس کیهانی» که به نظر می‌رسید پس از اصلاحات خاخامی کاملاً از میان رفته بود به گونه‌ای موفقیت‌آمیز دوباره به میدان آمده است.

منظور از این اظهارات این نیست که فرهنگ جوانان امروز نوعی مسیحیت پنهان است، بلکه می‌خواهم بگویم که در ورطه بحران دینی نمی‌توان آفرینندگی را پیش‌بینی کرد، و همین‌طور احتمالاً پاسخ‌های داده شده به این بحران غیرقابل درک است. افزون بر این، همچنین نمی‌توان پیش‌بینی کرد که تجربه جدید و بالقوه از این معادس چگونه بیان خواهد شد. «انسان کامل» هرگز از مقدس کاملاً تهی نیست، و حتی باید تردید داشت که چنین چیزی ممکن باشد. دین‌زدایی در لایه حیات آگاهانه بسیار مهم عمل کرده است: مفاهیم کهن الهیاتی، جزم‌های دینی، باورها، مناسک، نهادها و غیره، به‌طور گسترده‌ای همگی از معنا تهی و نابود شده‌اند. اما هرگز هیچ انسان زنانه و نرمالی نمی‌تواند برای وجدانش، از فعالیت منطقی و عقلانی بکاهد، زیرا انسان مدرن هنوز رویا می‌بیند، عاشق می‌شود، به موسیقی گوش می‌دهد، به تماشا می‌نشیند، می‌رود، فیلم تماشا می‌کند، کتاب می‌خواند — و خلاصه اینکه، نه تنها یک جهان تاریخی و طبیعی بلکه در جهانی وجودین و خصوصی، و در عالمی خیالین زندگی می‌کند. پس اساساً مورخ و پدیدارشناس ادیان کسی است که توانایی ساختن و بازگشایی ساختارهای «دینی» و معانی این جهان‌های خصوصی یا عوالم خیالین را دارد.

از آنجا که در این کتاب به این مباحث کاملاً پرداخته شده دیگر نیازی به تأکید دوباره نیست. به‌طور خلاصه، علاقه به تحلیل ادیان کهن و نامتعارف تنها به اهمیت و اعتبار تاریخی‌شان نیست. فیلسوفان، متألهان و منتقدان ادبی نیز به همان اندازه از کشف این جهان‌های معانی فراموش شده، ناپیدا، یا مورد غفلت قرار گرفته بهره می‌برند. به همین علت کوشیده‌ام متن‌های مربوطه به ادیانی را

معرفی کنم و به بحث بگذارم که بسیار کم شناخته شده‌اند. توسعه مهم تنها در شناخت سه دین توحیدی، بودیسم و حتی ادیان فلسفی هند صورت گرفته است. کارهای خوب و معروفی درباره آن‌ها به راحتی در دسترس خوانندگان علاقه‌مند قرار دارد.

مقالات این کتاب صرفاً برای متخصصان نوشته نشده، بلکه بیشتر اقشار معمولی و خوانندگان باهوش را مد نظر دارد. بنابراین، مثال‌هایی را صریحاً نقل کرده‌ام که شناخته شده‌اند یا دست کم برای مورخان ادیان، انسان‌شناسان و سرتاسر انسان قابل دستیابی است، اما ممکن است برای یک غیرمتخصص احتمالاً دست یافتنی باشد. امیدوارم به این ترتیب، آنچه که احتمالاً یک «انسان‌گرایی نوین» نامیده می‌شود، بعدها از طریق رویارویی انسان مدرن غربی با جهان‌های معانی کمتر شناخته شده یا کمتر شناخته نشده به وجود بیاید. گرایش این مقالات نیز درست همانند دیگر کتاب‌های من بر کارکرد فرهنگی تأکید دارد که تاریخ ادیان می‌تواند سهمی مهم در جامعه تقاسم‌زدایی شده و نیز برای رشد نظام‌مند هرمنوتیک (نظام تأویلی) امرمقایسه‌ایات تاریخی‌اش داشته باشد.

بیشتر مقالات این کتاب پیش از این در کتاب‌های مختلف به چاپ رسیده است، اما اینجا آن‌ها را دوباره تصحیح و بازبینی کرده و چیزهایی به آن افزوده‌ام. از صمیم قلب مایل‌ام از سه تن از دانشجویانم تشکر کنم. هری پارتین، که بخشی از فصل سوم را از دست‌نویس فرانسه به انگلیسی ترجمه کرد؛ آلفرد هیلت‌بیتل که فصل‌های پنج، هفت و هشت را ویرایش کرد و نورمن جی. دو که تنظیم پیوست‌ها بر عهده او بود. از همه ایشان سپاسگزارم.

میرچا الیاده